


# The Relationship Between Futures Studies of the Islamic Revolution and the Meta-Discourse of Mahdism

## Seyyed Ali Ghasemzadeh

Professor of the Faculty of Literature and Humanities and Researcher of the Cultural and Social Future Research Group, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.


Email: a.s.a.ghasemzadeh@hum.ikiu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

## Khalil Koulivand

PhD student in Future Studies, Imam Khomeini International University, Qazvin and lecturer at Khatam Al-Anbiya Air Defense University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: zflower2010@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

## Abstract

The occurrence of the Islamic Revolution of Iran not only revitalized Iranian society but, from a cultural and political semiotic perspective, heralded the emergence of a universal discourse and a powerful alternative within the global field of dominant discourses and political systems. Since analyzing the future trajectory of a social phenomenon requires attention to its formative elements and intrinsic content, and given that the doctrine of Mahdism and its derived political culture played a crucial role in the formation, victory, and continuity of the Islamic Revolution, this study adopts a descriptive-analytical approach to examine the future of the Islamic Revolution and its relationship to the eschatological ideal society (utopian horizon) represented by the central signifier of Mahdism. The research investigates the conditions enabling the future continuity of the Islamic Republic through both exploratory and normative approaches. In the exploratory approach, Mahdism is treated as a widely accepted Islamic meta-discourse whose influence has gradually permeated and enriched the sociopolitical fabric of Muslim societies. In the normative approach, based on the projected vision of the Islamic Revolution, the key values, ideals, and objectives of the political system of the Islamic Republic are articulated in light of the Mahdist worldview. The findings demonstrate that the continuity of the Islamic Revolution and its linkage to the envisioned future world depend upon preserving two affirmative and existential macro-components: religious leadership and guardianship (wilayah) and popular sovereignty, both organized around the central signifier of Mahdism.

**Keywords:** Islamic Revolution of Iran; Existential indicators; Mahdism; Futures studies.

# نسبت آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با کلان‌گفتمان مهدویت

سید علی قاسم زاده

استاد تمام دانشکده ادبیات و علوم انسانی و پژوهشگر گروه پژوهشی آینده‌پژوهی فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Email: s.a.ghasemzadeh@hum.ikiu.ac.ir

0000-0000-0000-0000 ID

خلیل کولیوند

دانش آموخته دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین و مدرس دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: zflower2010@gmail.com

0000-0000-0000-0000 ID

## چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر دمیدن جانی تازه در کالبد جامعه ایران، از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی و سیاسی، نوید ظهور گفتمانی جهان‌گیر و بدیلی قدرتمند در سپهر گفتمان‌ها و نظام‌های سیاسی رایج دنیا بود. از آنجا که تحلیل و تخمین آینده‌فرا روی یک پدیده اجتماعی، مستلزم توجه به عوامل شکل‌دهنده و درون‌مایه آن پدیده است و با توجه به اینکه آموزه مهدویت و فرهنگ سیاسی برآمده از آن، نقشی مهم در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن ایفا می‌کند، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی با هدف آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و نسبتش با آرمان شهر مطلوب آخرالزمانی یا دال مرکزی مهدویت، دلیل امکانی تداوم نظام جمهوری اسلامی را در آینده واکاوی کرده که بر اساس رویکردهای هنجاری و اکتشافی گفتمان مذکور بررسی شده است. در رویکرد اکتشافی، روندپژوهی مهدویت، بر پایه پذیرش این کلان‌گفتمان به‌عنوان یک باور اسلامی در میان مسلمانان تلقی گشته که به‌مرور بر تار و پود و غنای آن افزوده شده است؛ اما در رویکرد هنجاری مبتنی بر ترسیم چشم‌انداز انقلاب اسلامی، کلیدی‌ترین ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس چشم‌انداز مهدویت تصویر می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داده است که تداوم انقلاب اسلامی ایران و اتصال آن به جهان آینده در چشم‌انداز مطلوب نظام، با حفظ دو کلان‌مؤلفه ایجابی و وجودی انقلاب اسلامی، یعنی «رهبری و ولایت دینی» و «مردم‌سالاری» حول دال مرکزی.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی ایران، نشانه‌های وجودی، مهدویت، آینده‌پژوهی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۷، پاییز ۱۴۰۴، صص ۳۵-۶۳



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

Doi:10.22034/rir.2025.501262.1077

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی (ره)، یکی از مهم‌ترین وقایع نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌رود که نه تنها ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را متحول کرد، بلکه بر منطقه غرب آسیا و نظام قدرت جهانی هم تأثیرات گسترده‌ای داشت. این انقلاب به دلیل ابعاد عمیق و اثرگذاری گسترده خود، در زمره انقلاب‌های اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. از یک‌سو، این تحول بنیادین موجب دگرگونی ساختاری در نظام حکومتی ایران شد و از سوی دیگر، ایدئولوژی حاکم و سیاست‌های کلان کشور را متناسب با ارزش‌های جدید شکل داد (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۲). این تغییرات، نه تنها در سیاست داخلی و خارجی ایران نمود یافت، بلکه سبب شد گفتمان اسلامی و اندیشه‌های سیاسی برخاسته از آن در سطح بین‌المللی مورد بازخوانی و بازاندیشی قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که انقلاب اسلامی ایران را از سایر انقلاب‌های معاصر متمایز می‌کند، ارتباط وثیق آن با ایده مهدویت و حکومت موعود است. این انقلاب، برداشتی متناسب با اقتضائات معاصر از مفهوم حکومت مهدوی را ارائه داد و زمینه‌ساز گفتمانی شد که در آن، آموزه مهدویت نه فقط به‌عنوان یک باور دینی، بلکه به‌عنوان یک راهبرد سیاسی و اجتماعی مطرح شد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۷). در این راستا، تغییر نگاه به مهدویت از یک رویکرد صرفاً اعتقادی به رویکردی حماسی و اجتماعی، از نتایج مهم انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. این تغییر نگاه، هویت و کارکردی نوین برای مفهوم مهدویت ترسیم نموده که بشر را به سوی اهداف بلندمدت و آرمان‌های کلان هدایت می‌کند.

اندیشه مهدویت در اسلام، یکی از مهم‌ترین ارکان تفکر آینده‌محور است که به آینده‌ای روشن، قطعی و آرمانی اشاره دارد و در دل خود تصویری از نظام جهانی عدالت‌محور ارائه می‌دهد. از منظر حکمرانی اسلامی، هیچ مفهومی به‌اندازه حکومت مهدوی، دارای کارکردهای بنیادین و راهبردی نیست. محدود کردن این اندیشه به یک مفهوم صرفاً نظری یا اعتقادی، غفلت از ظرفیت‌های گسترده آن در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت اجتماعی است (قبادی و بهروزی لک، ۱۳۹۹: ۱۴). در حقیقت، انقلاب اسلامی ایران با الهام از این ایده، به‌سوی تشکیل نظامی سیاسی

حرکت کرد که در آن، مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یک الگوی حکمرانی مترقی مطرح شد.

بنابراین، پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در بازتعریف و تحول مفهوم مهدویت دانست. این انقلاب، با تغییر نگرش به مهدویت، آن را از حاشیه تفکرات دینی به متن سیاست و جامعه منتقل کرد. پیش از انقلاب، تفکر مهدویت در دوره‌هایی دچار انزوا یا تغییر ماهیت شده بود و یک مسئله فرعی تلقی می‌شد، اما انقلاب اسلامی، آن را به‌مثابه یک گفتمان مرکزی و تعیین‌کننده در مسیر حرکت جامعه اسلامی قرار داد. به همین دلیل، بسیاری از اندیشمندان اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به بازاندیشی در نظریه‌های خود درباره مهدویت و حکومت آرمانی آخرالزمانی پرداختند (شریعتی، ۱۳۹۸: ۵۴).

انقلاب اسلامی ایران، برخلاف بسیاری از انقلاب‌های بزرگ جهان، از ابتدا دارای رویکرد آینده‌نگر بوده است. این انقلاب نه‌تنها به تغییرات مقطعی اکتفا نکرده، بلکه درصدد ایجاد ساختاری بوده است که بتواند در طول زمان استمرار یابد و در نهایت به حکومت جهانی مهدوی متصل شود. از این‌رو بررسی چگونگی ارتباط انقلاب اسلامی با آینده‌مهدوی، ضرورتی علمی و نظری به‌شمار می‌رود که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است.

آینده‌پژوهی به‌عنوان دانشی که به مطالعه مسیرهای ممکن پیش رو و طراحی راهبردهای مطلوب می‌پردازد، می‌تواند نقش مهمی در مهدی‌پژوهی ایفا کند. آینده‌پژوهی به‌دنبال ترسیم آینده‌ای مطلوب و معنادار است که در آن، جوامع بشری بتوانند بر اساس یک الگوی ایدئال حرکت کنند. در این راستا، آموزه مهدویت که آینده‌ای روشن و عادلانه را برای بشر ترسیم می‌کند، می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب کلان در آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش می‌کند به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که «انقلاب اسلامی ایران چگونه می‌تواند با حفظ ویژگی‌های هویتی خود، به مسیر آینده‌ای مهدوی متصل شود؟» هدف این مقاله، ارائه تصویری آینده‌پژوهانه از انقلاب اسلامی و تحلیل چگونگی حرکت آن به‌سوی تحقق اهداف نهایی حکومت جهانی مهدوی است. با این رویکرد، تلاش خواهیم کرد چشم‌اندازی مطلوب و مبتنی بر

راهبردهای فعالانه را برای آینده انقلاب اسلامی در مسیر پیوند آن با مهدویت ترسیم کنیم.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

تحقیقات و مطالعات آینده‌پژوهی، فرایند تلاش سامانمند برای بررسی آینده بلندمدت موضوعات اساسی و مهمی چون علم، محیط‌زیست، اقتصاد و جامعه، با هدف شناسایی فناوری‌های رایج در حال ظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقاتی-پژوهشی راهبردی است که به‌احتمال بسیار زیاد بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه خواهد داشت. برخی از محققان حوزه آینده بر این باورند که تحقیقات آینده یک فرایند سامانمند و مشارکتی است که ادراکات آینده را جمع‌آوری می‌کند تا یک چشم‌انداز میان‌مدت تا بلندمدت با هدف تصمیم‌گیری به‌روز و بسیج اقدامات مشترک را بنا نماید (Adjanor-Doku et al, 2025: 76). از این رو، تحقیقات آینده مجموعه‌ای از تلاش‌ها است که با تجزیه و تحلیل منابع، الگوها، عوامل تغییر و پایداری، آینده بالقوه را تجسم می‌کند و در موضوع مباحث مرتبط با آینده، فرارشته آینده‌پژوهی عنوان می‌دارد که واقعیت فردا از تغییرات امروز به دنیا آمده است (Appio et al, 2021: 9).

آینده‌پژوهی به‌عنوان علم شناخت و شکل‌دهی به آینده، امروزه جایگاه مهمی را در جهان به خود اختصاص داده و وارد عرصه‌های مختلف زندگی انسان از جمله فرهنگ، سیاست، اقتصاد، جامعه و ... شده است. این دانش جدید ریشه در تاریخ دارد، اما از آنجا که توسعه آن در جهان غرب بوده است، مبانی و اصول آن نیز تحت تأثیر مدرنیته غربی قرار داشته و طعم انسانی و سکولار به خود گرفته است (Kirimtat et al, 2020: 453).

گفتنی است که در پیش‌بینی آینده، دارا بودن الگو، بهتر از نداشتن آن است؛ اما الگوهای عرضه‌شده از دو منظر ناکارآمد یا بسیار کلی هستند. نخست از این منظر که می‌خواهند همه رویدادهای متنوع جهان را پوشش دهند؛ مانند الگوهای «تاflر»، «فوکویاما» و «هانتینگتون» و حتی الگوهایی که چه‌بسا مارکسیست‌ها در نظر داشته‌اند و عرضه نکرده‌اند. دوم آنکه از نظر موضوع و از نظر روش یا بسیار محدودند یا مبتنی بر ذهنیت محدود الگوپرداز هستند و اینکه تفسیرهای فردی از رویدادهای

حال و آینده، همواره خصلتی ذهنی به الگوهای عام یا خاص بخشیده است. البته باید پذیرفت که موضوع آینده‌شناسی پیچیدگی‌های خاص خود را دارد، در نتیجه روش آینده‌شناسی هم پیچیده می‌نماید و بهره‌گیری از همه علوم مرتبط را ضروری می‌سازد. ضمن آنکه الگوهای مبتنی بر انواع تاریخ‌گرایی‌ها نیز دچار نارسایی‌های خاص خود هستند، چراکه کوشیده‌اند دست به برون‌یابی در سیر حوادث گذشته تا حال بزنند و آینده را به دنبال این سیر پیش‌بینی کنند (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۶).

بنا بر توصیه برخی صاحب‌نظران، لازم است در کنار آینده‌پژوهی اقدام به آینده‌نگاری کرد که در واقع تدوین اصول و راهبردهای آینده مطلوب است. باید توجه داشت که آینده‌پژوهی نیاز امروزی نیست؛ هرچند از نظر علمی و آکادمیک یک اصطلاح و حوزه علمی جدید و میان‌رشته‌ای است؛ ولی علاقه به جست‌وجو برای کشف آینده از گذشته در تفکر بشر وجود داشته است و سرچشمه اولیه آن را مانند بسیاری از معارف بشری باید در اساطیر جست‌وجو کرد. ترسیم دنیای آخرالزمانی در اساطیر ملل مختلف گواه حقایقی از نگاه آینده‌گرایانه یا تلاش پیشگویانه و مکاشفه‌گونه «آپوکالیپس»<sup>۱</sup> نسبت به سرنوشت جهان، انسان و همه موجودات است (Motti, 2023: 610).

امروزه، در عصر مدرنیسم و پسامدرن، یکی از دغدغه‌های عامه همین پیش‌بینی و آگاهی از آینده است و بی‌گمان نمود انحراف‌های امروزین جوامع بشری را در طالع‌بینی، آینه‌بینی و مواردی از این دست باید دید و این‌ها بازتاب اندیشه به آینده نامعلوم و علاقه به رازگشایی از آن است. به این ترتیب، گرایش ذاتی بشر از ابتدای خلقت، آرزوی امکان و توان آگاهی از آینده بوده است. او همواره می‌خواهد بداند که

---

۱ - آپوکالیپس (Apocalypse) مفهومی است که ریشه در زبان یونانی دارد و در اصل به معنای «آشکارسازی» یا «کشف حقیقت پنهان» است، اما در ادبیات مدرن، بیشتر به رخدادهای آخرالزمانی و فروپاشی تمدن بشری اشاره دارد. این واژه در متون دینی، به‌ویژه در مسیحیت، به وقایع پایان جهان، ظهور منجی، جنگ نهایی خیر و شر، و داوری نهایی مربوط می‌شود. در حوزه‌های ادبی، سینمایی و آینده‌پژوهی نیز آپوکالیپس به‌عنوان یک سناریوی افراطی و هشداردهنده مطرح می‌شود که در آن جهان با فجایعی مانند جنگ‌های هسته‌ای، بیماری‌های فراگیر، فروپاشی نظم جهانی یا نابودی زیست‌محیطی روبه‌رو است. هدف از به‌کارگیری این مفهوم در آینده‌پژوهی، هشدار به سیاست‌گذاران و جامعه برای اندیشیدن به پیامدهای احتمالی رفتارهای کنونی و اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه است (گرچی، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

آینده چه اتفاقی را رقم خواهد زد و او در این عرصه چه می‌کند و سرنوشتش چه خواهد شد (Dator, 2019: 4; Slaughter & Hines, 2020: 187 &).

بنابراین، نگرستن به حوادث پیش رو، تاریخچه‌ای به درازای تجربه زیسته بشر در ادوار گذشته دارد که در این میان آینده‌نگری از مسیرها، مراحل و گذرگاه‌های مختلف عبور کرده و در این مسیر از گمانه‌زنی، اختربینی، نگرش آرمان‌شهری و پاد آرمان‌شهری و همچنین فلسفه نظری تاریخ و ... گذر نموده تا به فرارشته آینده‌پژوهی رسیده است. آینده‌پژوهی شکلی سامانمند و سازمان‌یافته از نگرش به آینده است. در آینده‌پژوهی، توجه به آینده، جدی و بسیار عینی‌تر قلمداد می‌شود و به این دلیل است که آن را وارد فضای حقیقی زیست انسانی می‌کند؛ این در حالی است که بسیاری از اشکال دیگر اصطلاحات مرتبط با این فرارشته از قبیل آینده‌نگری را می‌توان مجازی و غیرواقعی به‌شمار آورد. البته فلسفه نظری تاریخ به‌طور عمده یک شکل علمی و کلان از آینده‌پژوهی است که گرایش‌های تاریخی را تأیید می‌کند و توانایی تفسیر تغییرات و تحولات جامعه بشری را دارد؛ اما امروزه نگاه به آینده و پیش‌بینی آن نسبی شده است. از این‌رو، در این رویکرد، تنها به یافته‌های تاریخی و فلسفی دانشمندان (قوانین و قواعد تاریخی) متکی نمی‌شود، بلکه هر دلیل و سندی که می‌تواند در کشف رویدادها دخیل باشد، بر اساس روش‌های خاص این فرارشته در نظر گرفته می‌شود. مهم‌تر از آن، آمادگی برای توسعه‌های آتی و طراحی سامانمند آینده و تلاش برای تعیین آگاهانه و عمدی تاریخ در مطالعات آتی به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفته است؛ پس هر نوع پیش‌بینی مستلزم آگاهی از آینده است و آینده‌پژوهی بر اساس ایده‌ها و پیش‌فرض‌های موجود، در مورد وجود نوعی ارتباط و توالی بین وقایع و رویدادهایی است که آینده‌گرایی سازمان‌دهی می‌کند (Ballandonne, 2020: 87).

از سوی دیگر، «آخرت‌شناسی»<sup>۱</sup> یا معادشناسی یکی از رویکردهای آینده‌پژوهی در ادیان الهی است. این موضوع بخشی از الهیات، فلسفه و آینده‌شناسی است و به مسائلی می‌پردازد که رویداد نهایی تاریخ یا سرنوشت نهایی بشر تصور می‌شود و معمولاً از آن با عنوان پایان تاریخ یاد می‌کنند. این شاخه دانش با علوم متفاوتی از

۱ . Eschatology

جمله اقتصاد، سیاست، اقتصاد پولی و ... تعامل دارد. در بسیاری از ادیان سنتی (ابراهیمی و غیرابراهیمی) نظیر مسیحیت، یهودیت، اسلام، زرتشت، بودیسم و هندوئیسم از آن به‌عنوان یک رویداد واقعی آتی یاد می‌شود که در متون مقدس یا افسانه‌های اجدادی بشارت داده شده است (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱۶). اسلام تأکیدی ویژه بر موضوع فرجام‌شناسی دارد، نه تنها به سبب اینکه خود را آخرین دین آسمانی می‌داند، بلکه به این دلیل که سیر تاریخ را با معنی و انسان را در قبال اعمالش مسئول می‌داند. محققان امروزی معتقدند فرجام‌شناسی اسلامی به این موضوع اشاره دارد که سرانجام تاریخ با پیروزی حق بر تمام رقیبان باطل پایان می‌یابد و در متون دینی (احادیث و آیات متشابه قرآن) هم نشانه‌هایی برای آن دوران که آخرالزمان نام گرفته ذکر شده است. سپس از آنجا که قرآن بر حتمی بودن رستاخیز، حسابرسی در روز قیامت و جدا شدن ابدی نیکوکاران از بدکاران تأکید دارد (امین ناجی و همکاران، ۱۳۹۵؛ روم/۱۲)، برخی از آموزه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، روایات و آیات قرآنی در مورد آینده و آگاهی مردم از پایان جهان است. این باور می‌تواند شامل معادباوری و آخرت‌شناسی تاریخی باشد و بر این اساس هم نبوت پنهان و هم سنت تاریخی شکل می‌گیرد. استفاده از آیات و روایات و انعکاس رویدادها می‌تواند دیدگاه ما را درباره آینده سازمان‌دهی کرده، نوعی تحقیق متعالی، قابل اعتماد، مترقی و پیشرفته در آینده را شکل دهد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۱).

بر این اساس، بخشی از آینده مربوط به تصاویر، اقدامات و خواسته‌های انسان‌ها است که اگر با سنت‌ها و قوانین الهی همراه باشد و به نشانه‌ها و شواهد آینده که در آموزه‌های دینی مطرح شده‌اند توجه شود، می‌تواند جامعه را به سوی «مطالعه عالی آینده» هدایت کند تا زمینه رشد و پیشرفت معنوی را در جامعه فراهم کند. در این میان یکی از رویکردهای مهم در کشف و ساخت آینده و نیز حکمرانی بر سرنوشت، آگاهی از آداب و رسوم اجتماعی و قوانین حاکم بر تاریخ است که به‌عنوان سنت‌های الهی در قرآن تفسیر می‌شود؛ به عبارت دیگر، آینده‌گرایی می‌کوشد تا درک کند که چه اتفاقی می‌تواند در آینده رخ دهد یا باید رخ دهد و فرایندی است که چندین رویداد ممکن را در آینده پیش‌بینی می‌کند. تفکر و رویکرد نگاه به آینده که در مقطع کنونی به‌طور گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف بسان ابزاری کمکی در خدمت

گروه‌های گوناگون قرار می‌گیرد، با اشاره به بیان «رنه دکارت» مبنی بر اینکه هر چیز قابل‌تصور امکان‌پذیر است، شکل یافته است. ابعاد این تحول در قرآن کریم از دیدگاه «شهید صدر» بعد الهی و ملکوتی (رسالت الهی، مکتب و دین) یا بعد تاریخی است، یعنی تلاش و کوشش یک گروه اجتماعی در برابر گروه‌های دیگر (سنت‌های تاریخی یا قوانین و معیارهای تنظیم پدیده‌ها و نمادها در صحنه‌ای معروف به تاریخ) (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۴).

این رویکرد علمی که با مرکزیت گفتمان الهی مهدویت شکل گرفته، می‌تواند تشکیل‌دهنده بینشی نوین و تازه به نام «آینده‌پژوهی مهدوی» تلقی گردد. اساسی‌ترین بن‌مایه این نگاه، انتظار ظهور منجی موعود قلمداد می‌شود که آثار مبرهن و بسزایی در آینده‌شناسی، فرجام‌باوری، غایت‌مندی، انتظار امید و ... را در پی خواهد داشت؛ بنابراین آینده‌شناسی اسلامی در واقع معطوف به غایت‌مندی و قاطع بودن تاریخ و همچنین نظریه جامع و کامل نجات‌بخشی، رستگاری یا باورمندی به «مهدویت» شکل می‌گیرد. وعده الهی در خصوص شکل‌گیری عصر ظهور، بخشی از آینده جهان و بشریت را تشکیل می‌دهد. آینده‌پژوهی می‌تواند موضوعات و گفتمان‌های راهبردی را پوشش دهد و با ارزیابی تغییرات و تحولات، مسئولیت‌ها و برنامه‌های خود را برای رسیدن به جامعه موعود روشن و تبیین کند. همچنین تغییرات و تحولات جهانی را به‌منظور ایجاد یک حکومت جهانی ارزیابی خواهد کرد و مردم را در تدارک انقلاب جهانی مهدوی (بر اساس مشاهدات فرداهای ممکن و مرجح) مهیا و در عین حال تصویری روشن و واقعی از جامعه مرجح ترسیم کند (جاودان و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۲).

از سوی دیگر منجی‌باوری، مفهومی میان‌رشته‌ای است و برای بازخوانی آن باید تمام ابعاد و جهات آن باور را از حیث تاریخ تفکر نجات‌بخش، علم کلام و حدیث، علم تفسیر، جامعه منتظر، مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی و ... مطالعه و تحلیل کرد (Maze, 2019: 26). برای مثال یکی از اضلاع رصد تحولات برای شناخت نشانه‌های ظهور، توقع و ترقب بوده که در روایات مکرر به آن اشاره شده است و آینده‌پژوهی دینی با ماهیت چندبعدی خود می‌تواند به واگشایی ابعاد منجی‌پژوهی کمک کند (جباری، ۱۳۹۹: ۹۱).

برخلاف آینده‌پژوهی سکولار که آموزه‌های دینی و وحیانی جایگاهی در آن ندارند، در آینده‌پژوهی اسلامی، چشم‌انتظاری برای تحقق وعده‌های الهی، نقشی الهام‌بخش دارد. اگر جامعه آرمانی موعود خصلتی کامل و صددرصدی دارد، در این صورت برای جامعه بدون حضور امام معصوم (ع) باید شرایط امکان حداکثری را در عصر غیبت مهیا ساخت که شبیه‌ترین جامعه به حکومت موعود عدل‌گستر باشد و سپس با شناسایی ظرفیت‌های موجود، راهبردهای آینده را با الهام از جامعه مطلوب و آرمانی اسلامی ترسیم کرد (بهروزی لک و کفیلی، ۱۴۰۱: ۱۷).

در مباحث آینده دو رویکرد «هنجاری» و «اکتشافی» نقش اساسی ایفا می‌کنند و بر پایه این دو رویکرد مطالعات آینده انجام و رفتار آینده‌پژوهان نسبت به ترسیم تصاویر آینده شکل می‌گیرد. در رویکرد اکتشافی - که گاه آینده‌پژوهی تحلیلی نیز نامیده می‌شود - زمان حال آغاز جست‌وجو و آینده غایت آن است و تلاش می‌کند در شرایط مختلف، آینده محتمل را پیش‌بینی کند. این رویکرد که حالت پیش‌بینانه دارد، موضوع آن اکتشاف «آینده‌های محتمل بر پایه روندها و رویدادهای جاری» است؛ با این پرسش که «اگر فقه هیچ مداخله‌ای در ایجاد و دگرگونی شرایط نداشته باشد، روندها و رویدادهای جاری، چه آینده‌های محتملی را نوید می‌دهند؟» آنچه از این رویکرد به دست می‌آید، جنبه اخباری دارد، چراکه از آینده خبر می‌دهد (سرخیل، ۱۳۹۸: ۲۵۳).

رویکرد دوم اما در باب مطالعات آینده بر پایه رویکرد هنجاری (تجویزی) شکل می‌گیرد که این رویکرد از یک موقعیت مطلوب شروع کرده، به زمان حال می‌رسد و چگونگی تحقق آن موقعیت مطلوب را بررسی می‌کند. در واقع نقطه شروع این رویکرد نقطه‌ای زمانی در آینده است. در این رویکرد بدون توجه صریح به وضع موجود، آینده مطلوب، بر اساس آموزه‌های ارزشی تعریف می‌شود. سپس به سمت وضع موجود حرکت می‌کند. در این رویکرد این پرسش کلیدی مطرح می‌شود که «ما چگونه می‌توانیم وضع موجود را تغییر دهیم تا آینده مطلوب بتواند از درون وضع موجود، به وجود آید؟» آنچه از این رویکرد به دست می‌آید، جنبه انگیزشی دارد نه اخباری و هدف آن ایجاد تحول بنیادین در وضع موجود است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۹).

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر دو حوزه کلیدی است: «نظریه‌های انقلاب» و «آینده‌پژوهی اسلامی». از منظر نظریه‌های انقلاب، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک جنبش اجتماعی و سیاسی، در چارچوب نظریه‌های تحول اجتماعی بررسی می‌شود. نظریه‌هایی مانند «انقلاب‌های ایدئولوژیک» (Arendt, 2016: 99) و «انقلاب‌های مبتنی بر رهبری کاریزماتیک و بر» (Tucker, 1968: 742) می‌توانند توضیح دهند که چگونه انقلاب اسلامی با تکیه بر ایدئولوژی دینی و رهبری الهام‌بخش، به تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی و اجتماعی منجر شد. از سوی دیگر، این انقلاب در چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی قابل تحلیل است، زیرا مفاهیم کلیدی آن مانند عدالت جهانی، ظهور منجی و حاکمیت الهی، پیوند مستقیمی با رویکردهای آینده‌نگرانه دارد.

در این راستا، اندیشه مهدویت به‌عنوان یکی از محورهای اصلی آینده‌پژوهی اسلامی، چارچوب تحلیلی مهمی را برای این پژوهش فراهم می‌کند. بر این اساس، چارچوب نظری این پژوهش ترکیبی از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی درباره انقلاب و مبانی آینده‌پژوهی اسلامی است که به تبیین مسیر حرکت انقلاب اسلامی در جهت تحقق آرمان‌های مهدوی می‌پردازد.

### (۱) ۳. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره آینده انقلاب‌ها به‌ویژه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی در ایران از لحاظ کمی و کیفی قابل تأمل است؛ اما زاویه نگاه و مسائل هر پژوهش و حتی روش و رویکرد نظری می‌تواند همواره برای موضوعی واحد، دستاوردی تازه و نو داشته باشد و زوایای مختلف و مکتوم آن را آشکار کند. در موضوع آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و مهدویت در داخل و خارج از مرزهای کشور، پژوهش‌هایی به انجام رسیده که در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

## جدول شماره ۱: پیشینه‌های مرتبط با پژوهش

نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
بهریزی لک و کفیلی (۱۴۰۱)	نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت)	رویکرد کیفی و روش انجام تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی	بر اساس یافته‌های این پژوهش، انقلاب اسلامی ایران بر مبنای مهدویت تحقق یافته و امامین انقلاب به سبب ارائه برنامه‌های راهبردی درصدد ایجاد جامعه‌ای منتظر برای ظهور حضرت بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای در عصر حاضر، بیانیه گام دوم انقلاب است که هدف اصلی آن را نزدیک شدن انقلاب به آرمان بزرگش؛ یعنی آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمای می‌کند.
شریعتی (۱۳۹۸)	نقش باورداشت مهدویت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران	رویکرد کیفی و روش انجام تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی	این پژوهش به بازتاب باورداشت مهدویت در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. مفروض این پژوهش این است که انقلاب اسلامی تحت تأثیر اندیشه مهدویت، نمونه بارز انقلاب‌هایی است که با توجه و عنایت به بُعد موعودگرایی و انتظار رخ داده است. یافته‌های این مقاله در چهار حوزه دسته‌بندی می‌شود. باورداشت مهدویت در مرحله نخست در حوزه بینشی و تغییر در جهان‌بینی مردم ایران، تأثیرگذار بوده و بعد از ایجاد جهان‌بینی، در حوزه ارزش‌ها، باورداشت مهدویت در حوزه هنجارهای رفتاری هم تأثیر بر انقلاب گذاشته است؛ یعنی مهدویت به خلق ارزش‌هایی منجر شده که در تشکیل انقلاب اثر گذاشته و هم به خلق نمادها و سمبل‌های نظام مهدوی کمک کرده است.
مهدوی و جعفرپور (۱۳۹۸)	تأثیر انقلاب اسلامی در احیاء آموزه‌های مهدویت	روش تحقیق از نوع اسنادی و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است.	هدف محققان در این مقاله شناسایی نقش انقلاب اسلامی ایران در رشد و توسعه اندیشه مهدویت و احیای آموزه‌های مهدویت بوده است. این تحقیق نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی گامی اساسی به سمت ظهور است؛ حرکتی متکی بر قرآن، سنت و امامت که با وقوع آن توجه جهانی به مهدویت و موعود وارد فضایی جدید شده

مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	عنوان پژوهش	نویسندگان (سال پژوهش)
<p>است؛ زیرا با ابتدا بر مبنای دینی و شیعی، نگرشی نو و ابتکارگونه به موضوع مهدویت ارائه کرده که در گذشته تفکر و اندیشه اسلامی مغفول بوده یا لاقلاً برجستگی کنونی را نداشته است.</p>			
<p>محقق معتقد است انقلاب اسلامی با تداوم و خودآگاهی‌بخشی به این افق‌گزینی تاریخی، توانسته است با ترسیم آینده مطلوب خود، یعنی تکامل پیوسته و زمینه‌ساز ظهور به آینده محتمل آن با عنوان تمدن زمینه‌ساز دست یابد. افق مهدوی محدودۀ تکوین و تکامل هویت ملی ایرانیان است.</p>	<p>رویکرد کیفی و روش انجام تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی</p>	<p>«افق مهدوی» و تکوین چشم‌انداز «تمدن زمینه‌ساز» در آینده ایران اسلامی</p>	<p>مظاهری مقدم (۱۳۹۵)</p>
<p>این پژوهش با مطالعه ابعادی انقلاب اسلامی و چشم‌انداز تمدن‌سازانه آن، ما را به سمت پارادایم متفاوتی از آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی رهنمون می‌کند. درحالی‌که نهادگرایان، مبتنی بر هستی‌شناسی اجتماعی، برپای انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک انقلاب مقطعی و نسلی، در تغییر نهاد قدرت تعبیر می‌کنند و چشم‌انداز تمدنی آن را در پیوستاری از مدرنیته ناقص تا مدرنیته بومی و مدرنیته اسلامی تعریف می‌کنند، تعالی‌گرایان گسترۀ تحولی انقلاب اسلامی را در سه بعد زمانی، مکانی و معنایی مبتنی بر هستی‌شناسی الهی انقلاب تعریف می‌نمایند.</p>	<p>رویکرد کیفی و روش انجام تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی</p>	<p>درآمدی بر آینده‌پژوهی فرهنگی تمدنی انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه حق‌مدار مهدویت</p>	<p>مطهری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)</p>
<p>به باور پژوهشگر، تحقیقات آینده یک حوزه نسبتاً جدید است که به دستاوردهای بسیار مهمی برای کشورها و جوامع از نظر وسعت و تنوع حوزه‌های مرتبط دست یافته است، به‌گونه‌ای که امروزه به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری تبدیل شده است. در حال حاضر، در این</p>	<p>بررسی تحلیلی جامع</p>	<p>تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از</p>	<p>قربانی (۱۳۹۲)</p>

مهم ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	عنوان پژوهش	نویسندگان (سال پژوهش)
<p>زمینه، مطالعات گسترده‌ای توسط کشورهای قدرتمند به‌منظور کسب مزیت رقابتی و تسلط بر جهان انجام می‌شود. این رویداد به اهمیت دستیابی به رویکردهای قدرتمندتر در زمینه تحقیقات آتی می‌افزاید. بی‌شک نظام فکری اسلام، به‌ویژه منابع شیعی، نسبت به هر مکتب فکری انسانی برتری داشته، توانایی تبیین راهبرد مباحث فکری آینده را دارد. یکی از مبانی متعالی این نظام اندیشه مهدویت است. اعتقاد به منجی پایان زمان برای اکثر ادیان مطلوب بوده است؛ با این حال، توانایی بهره‌مندی از آموزه‌های آینده‌محور بر اساس وحی، به‌جز در تشیع و آموزه‌های مهدویت، در قدرت ادیان دیگر نیست. نظام معرفتی مطالعات آینده شامل مفاهیم، روش‌ها و ابزار است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده و فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت مناسب هستند.</p>		نگاه آینده‌پژوهی	

با اینکه اغلب این تحقیقات به رویکردهای مختلف آینده‌پژوهی و مهدویت در گفتمان انقلاب اسلامی نظر داشته‌اند؛ اما پژوهش حاضر برای کشف دلایل امکانی تحقق جامعه آرمانی آخرالزمانی از رهگذر انقلاب اسلامی می‌تواند به خلأهای موجود در پژوهش‌های یادشده پاسخ دهد.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت، در زمره تحقیقات بنیادی قرار می‌گیرد، زیرا به بررسی نسبت آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با کلان‌گفتمان مهدویت می‌پردازد و می‌کوشد با تحلیل دیدگاه‌های صاحب‌نظران این دو حوزه، ابعاد نظری و مفهومی این ارتباط را تبیین کند. تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده و نقش مهدویت را به‌عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی بازشناسی می‌کند. همچنین، پژوهش حاضر با

بهره‌گیری از دو رویکرد اصلی آینده‌پژوهی، یعنی رویکرد هنجاری و اکتشافی، چگونگی پیوند این کلان‌گفتمان را با فرهنگ آینده انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد.

شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، شامل تحلیل منابع علمی، اسناد معتبر و آثار مرتبط با آینده‌پژوهی، انقلاب اسلامی و مهدویت است. جامعه پژوهش نیز مجموعه‌ای از منابع و اسناد مرتبط با این حوزه‌ها را در بر می‌گیرد که از میان آن‌ها، داده‌های موردنیاز با روش تحلیل محتوای کیفی استخراج و بررسی شده‌اند. هدف نهایی این پژوهش، تبیین فرایندی است که از طریق آن، گفتمان مهدویت به‌عنوان چارچوبی هنجاری، چشم‌انداز مطلوب انقلاب اسلامی را ترسیم می‌کند.

## ۵. یافته‌های پژوهش

هسته پژوهش حاضر بر این اساس شکل گرفته که گفتمان انقلاب اسلامی را به‌عنوان دال مرکزی بازشناسی کند و آن را مبتنی بر کلان‌گفتمان مهدویت و بر پایه دو رویکرد هنجاری و اکتشافی مطمح نظر قرار دهد تا با ترسیم چشم‌انداز مطلوب به بررسی نسبت آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی با گفتمان مذکور بپردازد.

در گفتمان آینده‌پژوهی، چشم‌انداز یک هدف اساسی و محرک است و برای رسیدن به آن باید به اهداف بلندمدت دست یافت، همان‌طور که رویکرد اصلی جامعه تحقق بینش سنتی است. البته ممکن است جامعه در رسیدن به این هدف به اهداف بسیار بلند و مهمی دست یابد، اما چشم‌انداز فراتر از این اهداف بلندمدت است. گاهی این اهداف بلندمدت با چشم‌انداز خلط می‌شوند. در واقع چشم‌انداز آرمانی، ترسیم آینده‌ای واقع‌گرایانه، تحقق‌پذیر، جذاب و انگیزشی است و مشخص‌کننده کیفیت جایگاه کنونی و مقصد آینده است (Fizza et al, 2021: 8). از این منظر می‌توان گفت، بینش آرمانی آمیزه‌ای از ارزش‌ها، قضاوت‌های مبتنی بر ایدئولوژی نظام و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی جامعه است که تصویری از آینده مطلوب را به تصویر می‌کشد و هرگاه این موضوع در جامعه جریان یابد، جهت حرکت‌ها و تغییرات آن جامعه هموارتر می‌شود. در مجموع، نقش‌برداری چشم‌انداز در چارچوب کاوش قابل درک است. به همین دلیل، برخی چشم‌انداز را یک تصویر ذهنی تعریف

کرده‌اند که عموماً در افق دور دیده می‌شود و برخی دیگر چشم‌انداز را یک تصویر عینی در نظر گرفته‌اند و آن را مجسم و قابل‌سنجش می‌دانند (Tajudeen et al, 2022: 614).

تحقق آرمان‌شهر مهدوی، چشم‌انداز آرمانی و موتور محرک جامعه شیعی به سوی آینده مطلوب است. در رویکرد اکتشافی چشم‌انداز مهدویت، ماهیت اندیشه مهدویت مورد توجه است؛ زیرا بر اساس گذشته‌پژوهی، کلان‌گفتمان مهدویت در فرایندی تاریخی حرکت خویش را آغاز کرده و ابتدا به‌عنوان یک باور اسلامی در میان مسلمانان مقبولیت یافته و در فراز و فرود تاریخی بر مسائل و مباحث آن افزوده شده است و مخالفان نیز شبهات و ایرادات بسیار بر آن افزوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که اکنون حوزه‌گفتمانی مهدویت از نظر مسائل و مباحث پیرامونی از مباحث امامت نیز پیشی گرفته است و گاه راهی مجزا را می‌پیماید.

در مقابل، در رویکرد هنجاری که رویکردی توصیه‌ای و تجویزی است، آرمان‌گرایی همان ارزش و غایت مطلوب و موعود است. در این رویکرد، آینده جایی نیست که ما برویم، بلکه جایی است که آن را ایجاد می‌کنیم. طبق این رویکرد، راه‌های منجر به آینده پیدا نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شوند؛ مثلاً مهدویت به سبب ماهیت معرفتی و دانشی هدفی است که باید برای رسیدن به آن خود و جامعه را ساخت. دین اسلام با ترسیم چشم‌اندازهایی حرکت‌آفرین و الهام‌بخش از آینده قدسی بشر، بی‌بدیل‌ترین منابع خلق چشم‌انداز مبتنی بر رویکرد هنجاری هستند (افتخار‌افضلی و کلانتری، ۱۴۰۳: ۱۹). قرآن کریم و روایات معصومین (ع) سرشار از خبرهای خوبی است که به‌سوی چشم‌انداز مبتنی بر پیروزی حقیقی خیر بر شیطان و حاکمیت مطلق حقیقت بر کذب حرکت می‌کنند. طبق بیان حضرت علی (ع) «کسی که از آینده استقبال می‌کند بهترین و بیناترین است و کسی که پشتش را به آینده می‌کند از دست خواهد رفت» (کرمی و کشاورزی، ۱۳۹۳: ۷۶). استقبال از آینده در کلام امیرالمؤمنین علی (ع)، مفهومی ندارد، به غیر از داشتن رویکردهای فوق‌فعال و پیش‌دستانه در مواجهه با آینده و داشتن دیدگاهی روشن که هدف رویکرد هنجاری در ساختن آینده را متبلور می‌کند. مهدویت غایت و هدف جامعه بشری و الگوی واقعی آن است و هویت ما باید با استفاده از آن بازتعریف شود. اندیشه مهدویت

اندیشه ما را ثمربخش و به تقویت جایگاه جمهوری اسلامی در اجرای مأموریت‌ها و رسالت انقلاب اسلامی در حفظ آرمان‌ها منجر می‌شود تا پیشرفت، عدالت و تجلیل به‌عنوان قابلیت‌های مهدویت در نظر گرفته شود.

از گفتمان مطرح در حوزه آینده‌پژوهی هنجاری اسلامی می‌توان دریافت که مهدویت، برترین الگوی آینده‌پژوهی اسلام است که همواره در تاریخ اسلامی بدان چشم دوخته شده و در ترسیم چشم‌انداز انقلاب به‌عنوان مطلوب‌ترین گفتمان جای گرفته است. از همان اعصار اولیه پس از غیبت، همواره با سلطه حکومت‌های استبدادی، به‌ویژه حکومت‌های دیکتاتوری و سلطنتی در جهان اسلام، امید به ظهور و قیام منجی بر همه جا سایه‌افکن بوده است و با وجود عطشناکی زمانه‌ها، این مطلوب آرمانی همچنان گمشده بشر محسوب می‌شود. با آنکه برخی حکومت‌های اسلامی می‌کوشیدند به‌ظاهر امور شرعی پایبند باشند؛ اما حفظ تاج و تخت و وضع موجود را بر هر افق بلندی ترجیح می‌دادند. انقلاب اسلامی با تئوری مردم‌سالاری دینی خود تنها نظام فکری و مدیریتی بود که برخلاف تاریخ مدل حکمرانی‌های گذشته بر این اصل به‌عنوان هدف غایی انقلاب خویش صحنه گذاشت و مهدویت را الگوی مطلوب حکومت اسلامی معرفی کرد. به این ترتیب، انقلاب اسلامی نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار و مهدویت بود و فرهنگ شیعه و باورهای پیروان ناب اسلامی را در قلب روزگار و پیش چشم جهانیان تشنه حقیقت قرار داد. از این‌رو مهم‌ترین جنبه آینده‌پژوهی اسلام و در واقع تجلی قاطعیت تاریخ و نظریه جامع و کامل نجات‌بخش دین، آموزه و کلان‌گفتمان مهدویت است. این آموزه آئینه تمام‌نمای نبوت دین اسلام و امر ناگزیر و روشن و شامل مطلوب و موعود است. آموزه مهدویت پاسخی است به بسیاری از دغدغه‌ها و پرسش‌های بشر در تاریخ و بینش‌های خدا و ایمان در جامعه‌ای بهتر و کارآمدتر (Kimbell, 2019: 132).

در این فرهنگ یا مکتب، همه ابعاد و مؤلفه‌های مطالعه آینده وجود دارد: هم تفسیر کلان زندگی معقول انسان و هم آخرت‌شناسی تاریخ (فلسفه نظری تاریخ)؛ یک تصویر روشن و ترسیم موقعیت‌های مختلف (و در نهایت وضعیت نهایی). بر این اساس، رابطه نزدیکی بین مکتب‌گرایی و مهدویت وجود دارد. موعودپژوهی، مطالعه نظام‌مند تاریخی، اجتماعی، سیاسی، کلامی و تفسیری منجی آخرالزمان است.

مهدویت اندیشه‌آینده محور است که با توجه به طرح الهی، حرکت تاریخ به سوی آن برگشت‌ناپذیر و موعود است (جباری، ۱۳۹۹ الف: ۱۱۹).

کاربردی‌ترین کارکرد آینده‌پژوهی در حوزه مهدویت را می‌توان در جنبه تجویزی آن جست‌وجو کرد. در این زمینه، مهدویت بزرگ‌ترین گشایش حیات برای جامعه عصر غیبت است تا بتواند خود را با کمک جامعه موعود احیا کند، به‌ویژه در شرایط کنونی که عصر بیداری اسلامی نامیده می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که جامعه نبوی به دلیل فقدان شهروندان و نه رهبر و هادی خود نمی‌تواند به تمام ظرفیت‌های ایدئال و اجتماعی خود دست یابد؛ بنابراین، مدینه فاضله مهدوی را می‌توان تحقق تمام ظرفیت‌های تحقق‌نیافته در جامعه نبوی دانست.

فرهنگ مورد انتظار که به‌نوعی یکی از نتایج بسط انقلاب اسلامی است، در منظر آینده‌پژوهی، فراتر از چشم‌به‌راه بودن، یعنی بازتاب و جست‌وجو در رویدادها و شناخت و آگاهی از موقعیت و رویدادها است. مهم‌ترین رکن این فرهنگ، پیش‌بینی، مسئولیت، مدل‌سازی نقش و تنظیم زمینه برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان آن را علم انتظار، انتظار پویا و انتظار مثبت و سازنده نامید. این انتظار در سازمان‌دهی طرح‌ها و رفتارهای فردی، جمعی و فراملی پس از انقلاب تأثیر مفیدی داشته است و در تعیین راهبردها و راهکارهای مبتنی بر آینده‌موعود، محتمل، ممکن و مرجح نقش داشته است.

انقلاب اسلامی ایران به سبب بنیان‌های تاریخی و دینی خویش و رهبران آن، رسالتی تاریخی تمدنی را فریاد می‌زند که جامعیتی فکری و نگاهی الهی دارد و با چشم‌انداز غایی خود، یعنی مهدویت و ظهور منجی در آرمان‌شهر انقلاب پیوندی ناگسستنی یافته است. دیدگاه امام خمینی در خصوص شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر اساس نظریه فقه، یکی از جنبش‌های ضروری برای تحقق حکومت موعود مهدویت و حرکت در راستای استقرار آن در جهان بود؛ بنابراین افق این جنبش بزرگ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ارتباط این انقلاب با انقلاب جهانی امام عصر (ع) و گسترش حکومت حقیقت در سراسر جهان است. امام (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن اشاره به دلایل قیام و هدف از انقلاب اسلامی، به‌عنوان نایب امام عصر (عج) تشکیل جامعه اسلامی را در جهت تحقق چشم‌انداز انقلاب، تحقق ظهور

تعریف می‌کند؛ به عبارت دیگر، چشم‌انداز انقلاب اسلامی تحقق جامعه مهدوی است و جمهوری اسلامی، تنها یک مرحله گذار برای تحقق جامعه موعود است.

انقلاب اسلامی نه تنها یک جنبش سیاسی، بلکه یک حرکت فرهنگی و دینی عمیق است که به دنبال تحقق آرمان‌های مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) است. در این راستا، آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب به‌صراحت بیان کرده‌اند که هدف نهایی این انقلاب، ایجاد تمدن نوین اسلامی است که در آن اصول عدالت، آزادی و کرامت انسانی طبق آموزه‌های مهدوی در سطح جهانی پیاده‌سازی شود. در این چشم‌انداز، جامعه اسلامی باید به‌گونه‌ای ساخته شود که نه تنها به‌عنوان یک مدل داخلی، بلکه به‌مثابه الگویی برای سایر جوامع بشری در راستای عدالت و صلح جهانی عمل کند. ایشان در این بیانیه، انقلاب اسلامی را نه فقط یک حرکت سیاسی، بلکه یک جریان فرهنگی و دینی معرفی کرده‌اند که هدف نهایی آن زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) و تشکیل دولت جهانی عدالت است. از این‌رو، انقلاب اسلامی باید همواره در راستای تحقق جامعه‌ای پیش برود که در آن، اصول مهدوی و آموزه‌های اسلامی مبنای تمامی تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲).

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم تأکید کرده‌اند که انقلاب اسلامی باید در همه ابعاد زندگی مردم تأثیرگذار باشد و این تأثیرگذاری تنها در صورتی پایدار خواهد بود که فرهنگ انتظار، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول مهدوی، در میان مردم رواج یابد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۶). فرهنگ انتظار در این دیدگاه به معنای تلاشی مستمر و فعال برای تحقق عدالت اجتماعی و سیاسی است که نه تنها به انتظار منفعلانه محدود نمی‌شود، بلکه یک حرکت جمعی و مؤثر در راستای ساختن جامعه‌ای مطابق با آرمان‌های مهدوی تلقی می‌شود. در این راستا، انقلاب اسلامی و آموزه‌های مهدوی باید در تمام برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انقلاب گنجانده شود.

رهبر انقلاب همچنین بر این نکته تأکید می‌کنند که آینده انقلاب اسلامی باید در چهارچوب آرمان‌های مهدوی قرار گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۸)؛ به عبارت دیگر، این انقلاب نه تنها باید در حال حاضر تأثیرگذار باشد، بلکه لازم است به‌طور مستقیم زمینه‌ساز تشکیل جامعه‌ای باشد که در نهایت در سایه آن، دولت مهدوی به ظهور

برسد. در این چشم‌انداز، انقلاب اسلامی باید در جهت تحقق عدالت، آزادی و ارزش‌های اسلامی در سطح جهانی گام بردارد و تمامی حرکت‌های اجتماعی و سیاسی با هدف رسیدن به جامعه‌ای عادلانه و جهانی هماهنگ شوند.

در نهایت، آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تأکید کرده‌اند، لازم است در آینده‌نگاری انقلاب اسلامی همواره به این اصل توجه شود که انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک حرکت اجتماعی و فرهنگی، باید در نهایت به تشکیل یک دولت اسلامی عادلانه و جهانی منتهی شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۷). ایشان بر این باورند که حرکت‌های اجتماعی باید به‌گونه‌ای پیش بروند که نه تنها در راستای اهداف فوری و کوتاه‌مدت انقلاب حرکت کنند، بلکه در نهایت به تحقق جامعه‌ای اسلامی و مهدوی در سطح جهانی منتهی شوند. از این رو، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی باید به‌طور خاص به دنبال بررسی و تحلیل مسیرهای تحقق هدف بلندمدت ظهور دولت مهدوی و برقراری عدالت جهانی باشد.

در گذار تاریخی انقلاب اسلامی ایران و با تأسی به فرهنگ و گفتمان مهدویت در ارتباط با آینده انقلاب، علائمی بروز نمود که می‌توان آن‌ها را نشانه‌های تحقق آرمان‌شهر مهدوی و تشکیل مدینه فاضله ظهور قلمداد کرد. مهم‌ترین و اساسی‌ترین این نشانه‌ها بازتولید مفهوم امامت در شکل رهبری یا ولایت فقیه است. فرهنگ انتظار مبتنی بر این گفتمان مفهوم دیگری است که در فرایند انقلاب اسلامی، به‌گونه‌ای بازتعریف شد که به گفتمانی عمومی تبدیل گشت؛ زیرا انتظار دیگر به معنای امید به برقراری حاکمیت عدل در آینده و رستگاری انسان با مداخله الهی در آیین انقلاب اسلامی معنا نمی‌شود، بلکه انتظار آمادگی روحی و عملی و اعتقادی برای اصلاح انقلاب و تغییر وضع جهان معنا می‌گردد. با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه «انتظار» که سال‌ها مترادف با سکوت و تحمل ظلم و ستم بود و در یک کلمه، منتظر ظهور دستی از غیب بود، معنای دیگری یافت. این بار، «انتظار» نه عاملی برای ساکت کردن روح سرکش جامعه، بلکه ابزاری شد برای تغییر وضعیت فعلی و حرکت به سوی آینده موعود.

بنابراین، انقلاب اسلامی تنها نمونه عملی درک صحیح انتظارات در عصر حاضر است که نتایج و پیامدهای شگفت‌آوری همچون مبارزه با بی‌عدالتی، تلاش برای

پیشرفت و تکامل و مبارزه با ستمگران، گفتمان‌سازی جدید مبنی بر دفاع از مظلوم، نفی استبداد و استکبارستیزی، ایجاد و ترویج فرهنگ اینترنت‌اسیونالیسم اسلامی<sup>۱</sup>، مسئله‌شناسی فلسطین و مبارزه با صهیونیسم را به دنبال داشته است؛ همان‌که در روایات اسلامی آخرین محل سلطه شیطان بر مظلومان است و جنگ آرمانی اسلام با آنهاست و با شکست و نابودی رژیم صهیونیستی زمینه تحقق عدالت جهانی فراهم می‌شود. همچنین غیبت مفهوم دیگری است که با پیروزی انقلاب اسلامی، دیگر به سلب مسئولیت اجتماعی تعبیر نمی‌شود، بلکه به معنای مسئولیت مردم در تعیین سرنوشت، ایمان، رهبری، زندگی معنوی، اجتماع و تعیین رهبری است که بتواند جانشین رهبری و زعامت امام باشد. از این‌رو یکی از عوامل ثبات‌بخش انقلاب مردم ایران بی‌تردید تفکر انقلابی شیعی است که بر اصول اعتقادی برگرفته از اندیشه دینی به‌طور عام و اندیشه مهدویت به‌طور خاص مبتنی است (عرفان، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

انقلاب اسلامی موجب بیداری شیعیانی شد که در جایگاه خاموش جوامع مسلمان تا آن زمان هیچ‌گونه مثالی از دکتترین مهدویت در سرنوشت و ساختار سیاسی کشورهای خود نیاموخته بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی، روح شکسته و خسته شیعیان در مناطق مختلف جهان احیا شد و روح امید در کالبد آنها دمیده گشت. پس از انقلاب، روحیه اعتمادبه‌نفس و خودباوری شیعیان تقویت شد و آنها جرئت و شهامت خود را دوباره به دست آوردند. پیروزی انقلاب اسلامی به آنها آموخت که نباید منتظر ظهور مهدی موعود باشند. بلکه بایستی به انتظار ایستاد. به این ترتیب انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار و آموزش مهدویت بود و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و صدر اخبار جهان قرار داد (عرفان، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

۱ - اینترنت‌اسیونالیسم اسلامی مفهومی است که بر وحدت و همبستگی فراملی میان مسلمانان جهان تأکید دارد و بر این باور است که همه مسلمانان، فارغ از نژاد، ملیت و مرزهای جغرافیایی، اعضای یک «امت واحده» هستند که باید در راستای اهداف مشترک دینی، سیاسی و اجتماعی با یکدیگر همکاری کنند. این ایده ریشه در آموزه‌های قرآن، سنت پیامبر اسلام و تاریخ صدر اسلام دارد و در عصر معاصر، به‌ویژه در اندیشه انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان راهبردی برای مقابله با سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی و حمایت از مستضعفان جهان مطرح شده است. اینترنت‌اسیونالیسم اسلامی با تأکید بر عدالت، اخوت اسلامی و مسئولیت مشترک در برابر امت، الگویی دینی و ایدئولوژیک برای وحدت مسلمانان ارائه می‌دهد (رومیانی و سعیدیان، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

تحولات اخیر در عرصه بین‌المللی و رویکرد مذهبی و معنوی بشر معاصر و موج گسترده اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در جهان، به‌ویژه در جهان غرب مؤید این واقعیت است که انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در حال گسترش است.

گفتنی است که بر اساس یافته‌های پژوهش، انقلاب اسلامی ایران نه‌تنها یک تحول سیاسی و اجتماعی بزرگ در نیمه دوم قرن بیستم بود، بلکه به‌عنوان یک حرکت تمدنی، توانست گفتمان مهدویت را از حاشیه به متن بکشد و آن را به یک عنصر محوری در ساختار حکمرانی اسلامی تبدیل کند. این انقلاب با تغییر نگرش از مهدویت صرفاً اعتقادی به مهدویت راهبردی و حاکمیتی، زمینه‌ای را فراهم ساخت که اندیشه مهدوی نه‌فقط در بعد نظری، بلکه در سیاست‌گذاری‌های کلان نیز نقش‌آفرینی کند. در این میان، عنصر مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی، نقش ویژه‌ای در پیوند مردم و ولایت ایفا کرده و مفهوم مشارکت عمومی را در مسیر تحقق آرمان‌های مهدوی ارتقا بخشیده است.

همچنین، انقلاب اسلامی با قرائتی پویا از آموزه مهدویت توانسته است ضمن مقابله با قرائت‌های انفعالی و غیرحکومتی از این مفهوم، آن را در قالب یک مدل نظام‌ساز ارائه کند. این الگو که مبتنی بر پیوند میان ولایت، مردم و آموزه‌های دینی است، الگویی منحصربه‌فرد از حکمرانی اسلامی را ارائه داده که در آن، نقش مردم در استمرار و تکامل مسیر انقلاب اسلامی به‌سوی حکومت جهانی مهدوی، امری اساسی به‌شمار می‌رود. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی توانسته است در بستر گفتمان مهدوی، نوعی ارتباط تنگاتنگ میان مردم و ولایت ایجاد کند که در آن، مردم نه‌تنها پیروان یک نظام دینی، بلکه بازیگران فعال در فرایند تحقق این گفتمان هستند.

بررسی تطبیقی گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان مهدوی نشان می‌دهد که بسیاری از مؤلفه‌های کلیدی این دو، دارای همپوشانی مفهومی و کارکردی هستند. در این راستا، مقوله‌هایی همچون عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی، مقاومت در برابر استکبار جهانی و تحقق جامعه توحیدی، به‌عنوان وجوه اشتراک میان این دو گفتمان قابل شناسایی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی، به‌مثابه مقدمه‌ای برای تحقق حکومت مهدوی، نه‌تنها در سطح نظری، بلکه در سطح عملی نیز در حال

زمینه‌سازی برای ظهور و استقرار عدالت جهانی است. لذا، این پژوهش تأکید دارد که آینده انقلاب اسلامی در گرو تعمیق ارتباط متقابل میان مردم و ولایت و حرکت در راستای تحقق گفتمان مهدویت خواهد بود.

## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انقلاب اسلامی ایران، یک جنبش اجتماعی و فرهنگی هدفمند بوده و برای ایجاد، تداوم و سازمان‌دهی نهایی خود به یک هویت بنیادین نیاز داشته است. این هویت در سه بعد استقرار، استمرار و هدفمندی شکل گرفته و بقای انقلاب اسلامی را تضمین کرده است. در این میان، جنبش عاشورا، به‌عنوان منبع تغذیه فکری و معنوی انقلاب اسلامی، نقشی اساسی در تأمین محتوای ایدئولوژیک آن ایفا کرده است. همچنین، مهدویت به‌عنوان یکی از اصول محوری این هویت، از سطح یک مسئله صرفاً کلامی فراتر رفته و به نیرویی راهبردی در جهت‌گیری‌های فکری و عملی انقلاب اسلامی تبدیل شده است. از دیدگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، مهدویت نه تنها باور به ظهور منجی، بلکه بستری برای کنشگری فعال مسلمانان در راستای تحقق جامعه‌ای عادلانه و اسلامی است (مطهری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۸). بر این اساس، انتظار نه یک مفهوم منفعلانه، بلکه به‌عنوان یک نیروی محرک در مسیر اصلاح و انقلاب تفسیر می‌شود؛ حرکتی که بنیان‌گذار استقرار مرجعیت الهی در جامعه است.

در این چهارچوب، فرهنگ انتظار نه‌تنها در سطح نظری، بلکه در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز تأثیرگذار بوده و به‌عنوان یک عنصر تعیین‌کننده در کارآمدی مکتب مهدویت مطرح شده است. نقش مردم در نهادینه‌سازی این فرهنگ، عاملی کلیدی در استمرار گفتمان انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های آن است. تغییرات اجتماعی و فرهنگی تنها زمانی مؤثر و پایدار خواهند بود که توده‌ها و نخبگان به اصول و مبانی آن باور داشته باشند و در جهت تحقق آن گام بردارند. همچنین، تجربیات تاریخی جوامع اسلامی نشان داده است که فرهنگ و هویت دینی نقش مهمی در انتقال آموزه‌های مهدوی و تحکیم مبانی اعتقادی نسل‌های آینده داشته و استمرار این گفتمان در گرو تلاش برای حفظ و تقویت آن است.

از منظر آینده‌پژوهی، انقلاب اسلامی در چارچوب یک نظام معطوف به آینده، مدینه فاضله مهدوی را آینده آرمانی خود معرفی کرده است. آینده‌پژوهی به بررسی آینده‌های ممکن و مطلوب می‌پردازد و بر این اساس، انقلاب اسلامی با الهام از آموزه‌های مهدوی، به دنبال ترسیم آینده‌ای دست‌یافتنی است که در آن، اصول عدالت‌محوری، معنویت و حاکمیت دینی محقق شوند. بر پایه دیدگاه «جیمز دیتور»، آینده محصول تعامل چهار عامل روندها، رویدادها، اقدامات و تصاویر ذهنی است (Dator, 2019: 189) و در این راستا، انقلاب اسلامی با تأکید بر آموزه‌های مهدوی، تلاش دارد تا آینده‌ای منطبق بر این ارزش‌ها شکل دهد. این گفتمان نشان می‌دهد که آینده انقلاب اسلامی در چارچوب کلان تفکر مهدوی و آموزه‌های آن تعریف می‌شود و شناخت این الگو، مبنایی برای جهت‌دهی به تحولات آینده خواهد بود.

در این بستر، پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که اسلام نه تنها یک نظام اعتقادی، بلکه یک مکتب مبارزاتی و مدیریتی است که می‌تواند در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایفای نقش کند. در حالی که مدل‌های مدرنیسم و توسعه در غرب عمدتاً مبتنی بر ارزش‌های سکولار و مادی‌گرایانه شکل گرفته‌اند، انقلاب اسلامی توانست الگویی از حکمرانی دینی ارائه دهد که در آن، ارزش‌های اسلامی مبنای سیاست‌گذاری و اداره جامعه هستند. در این عصر، معنویت و دین‌داری نه تنها به‌عنوان امری شخصی، بلکه به‌عنوان یک جریان تمدنی و اجتماعی مطرح شده که در مسیر تحقق چشم‌انداز نهایی اسلام، یعنی استقرار حکومت جهانی عدل و قسط، نقش ایفا می‌کند.

در این راستا، نباید چشم‌انداز مهدوی را با جامعه‌ای آرمانی و غیرقابل دسترس اشتباه گرفت. بلکه این چشم‌انداز در پرتو تلاش‌های آگاهانه و برنامه‌ریزی شده برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و در بستر یک حکومت برخاسته از مردم و مبتنی بر ولایت محقق خواهد شد. مهم‌ترین ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی، در پرتو دیدگاه مهدوی ترسیم شده‌اند و این امر نه تنها در سطح نظری، بلکه در برنامه‌های کلان توسعه‌ای و سیاست‌گذاری‌های کشور نیز بازتاب یافته است. از این رو، گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها در صدد انتظار منفعلانه برای آینده‌ای مقدر نیست،

بلکه بر ساختن آینده‌ای موعود و موردنظر تأکید دارد. این امر راز بقای جمهوری اسلامی و استمرار آن در مسیر تحقق حکومت موعود است.

بنابراین، انقلاب اسلامی با بازتعریف مفهوم مهدویت، رویکردی نوین به آموزه‌های آخرالزمانی داده است که در آن، انتظار، نه یک امر انتظاری و غیرکنشگرانه، بلکه یک راهبرد عملی و تمدنی در مسیر استقرار عدالت جهانی است. درک جدید از نقش مهدویت در جامعه، نه تنها در سطح مباحث دینی، بلکه در سیاست‌گذاری‌ها، مدیریت اجتماعی و نظام بین‌الملل نیز بازتاب یافته است. از این‌رو، انقلاب اسلامی را می‌توان مقدمه‌ای برای تحقق حکومت جهانی مهدوی دانست که در آن، ارزش‌های عدالت‌محور، ظلم‌ستیز و توحیدی، به‌عنوان اصول بنیادین حاکم خواهند شد.

در پایان پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

#### ۱) ترویج فرهنگ مهدویت در سیاست‌گذاری‌های کلان: با توجه به

اهمیت فرهنگ مهدویت در هویت‌بخشی به انقلاب اسلامی و نقش آن در شکل‌دهی آینده انقلاب پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی برنامه‌هایی را برای نهادینه‌سازی این فرهنگ در جامعه طراحی و اجرا کنند. از اقدامات مؤثر در این زمینه می‌توان به بازنگری در نظام آموزشی برای تعمیق آموزه‌های مهدوی، تولید محتوای رسانه‌ای متناسب با مبانی انتظار و عدالت‌خواهی و حمایت از پژوهش‌های علمی در حوزه آینده‌پژوهی مهدوی اشاره کرد. همچنین، گسترش دیپلماسی فرهنگی بر پایه گفتمان مهدویت می‌تواند در معرفی و تقویت این الگوی فکری در سطح بین‌المللی مؤثر باشد.

#### ۲) تقویت نقش نخبگان و مردم در تحقق آینده مطلوب انقلاب

**اسلامی:** از آنجا که دستیابی به آینده مطلوب انقلاب اسلامی به اراده و آگاهی مردم و نخبگان وابسته است، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های راهبردی برای افزایش مشارکت اجتماعی و تقویت نقش نخبگان در فرایند تصمیم‌سازی تدوین گردد. ایجاد بسترهای گفتمانی میان اندیشمندان و سیاست‌گذاران برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی در حوزه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، تقویت آموزش‌های

عمومی درباره مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در مسیر تحقق جامعه منتظر و ارائه الگوهای عملی برای تطبیق زندگی فردی و اجتماعی با ارزش‌های مهدوی از اقدامات کلیدی خواهد بود.

### ۳) بررسی تطبیقی آینده‌نگاری انقلاب اسلامی با دیگر جنبش‌های

**اجتماعی جهانی:** پیشنهاد می‌شود یک تحقیق تطبیقی در زمینه آینده‌نگاری انقلاب اسلامی و تحلیل چشم‌اندازهای آن با دیگر جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی جهان انجام شود. این پژوهش می‌تواند به شناسایی نقاط مشترک و تفاوت‌های مهم میان این جنبش‌ها و انقلاب اسلامی بپردازد و تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این جنبش‌ها بر آینده جوامع مختلف را بررسی کند. چنین تحقیقاتی می‌تواند به درک بهتر از روندهای جهانی و تأثیر آن‌ها بر توسعه و تحول انقلاب اسلامی کمک نماید.

### ۴) تحلیل نقش فناوری‌های نوظهور در تحقق آرمان‌های انقلاب

**اسلامی و مهدویت:** با توجه به نقش فناوری‌های نوظهور در شکل‌دهی به آینده جوامع، پیشنهاد می‌شود یک مطالعه آینده‌پژوهانه انجام گیرد که نقش فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و بلاک‌چین در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت را بررسی کند. این پژوهش می‌تواند به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های موجود در استفاده از فناوری‌ها برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و توسعه جامعه منتظر بپردازد و برای بهره‌برداری از این فناوری‌ها در راستای تحقق آینده مطلوب، راهکارهایی ارائه دهد.

## فهرست منابع

- افتخار افضلی، سید حسین؛ کلانتر، ابراهیم (۱۴۰۳). واکاوی سرمایه اجتماعی در چشم‌انداز دینی: مورد مطالعه تحلیل مضمون مشارکت اجتماعی در منظومه اندیشه‌ای مقام معظم رهبری. نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۲(۷)، ۱۱-۳۷.
- الهی نژاد، حسین (۱۳۹۷). تحلیل روش‌شناسی عقلی مهدویت پژوهی. انتظار موعود، ۱۸(۶۲)، ۳۵-۵۲.
- امین ناجی، محمد هادی و همکاران (۱۳۹۵). ویژگی‌های حکومت آخرالزمان به‌عنوان آینده مطلوب بشریت در آینده‌پژوهی اسلامی با تکیه بر نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۳)، ۱۴۵-۱۶۵.
- بهروزی لک، غلامرضا؛ کفیلی، رضا (۱۴۰۱). نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت). فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۱)، ۷-۲۷.
- جاودان، موسی و همکاران (۱۴۰۲). رابطه آینده‌نگری، خودمهارگری و سبک زندگی اسلامی با هویت دینی نوجوانان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۷(۱)، ۵۸-۶۷.
- جباری، حسینعلی (۱۳۹۹ الف). تحلیل روش، تحلیل روند و تحلیل تأثیر بر روند در مهدویت پژوهی. مطالعات مهدویت. ۴۹(۳)، ۱۱۵-۱۲۶.
- جباری، حسینعلی (۱۳۹۹ ب). رابطه آینده‌پژوهی و مهدویت و کاربست روش پانل در مهدویت. فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات مهدوی، ۱۱(۵۰)، ۸۵-۹۷.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای.
- رحمتی، مهدی و همکاران (۱۴۰۲). ارائه الگوی ساخت جامعه شایسته جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۴(۴)، ۵۸-۷۲.
- رومیانی، بهروز؛ سعیدیان، مهلا (۱۳۹۰). اقبال تصویرکننده اینترنا سیونالیسم و جهان وطنی اسلامی و انعکاس تفکر دینی اسلامی وی بر نسل امروز. مطالعات نقد ادبی، ۶(۲۴-۲۵)، ۱۸۵-۱۹۶.

- سرخیل، بهنام (۱۳۹۸). هویت دینی و آینده همگرایی در جهان اسلام؛ موانع و راهکارهای پیش رو. آینده پژوهی ایران، ۴(۱)، ۲۳۷-۲۶۱.
- شریعتی، محسن (۱۳۹۸). نقش باورداشت مهدویت در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران. دو فصلنامه پژوهشنامه موعود، ۱(۲)، ۴۹-۶۴.
- عرفان، امیرمحسن (۱۳۸۹). نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت. انتظار موعود، ۳۲(۱۰)، ۱۴۹-۱۷۱.
- علی کرمی، رضا و کشاورزی، محمد (۱۳۹۳). ضرورت آینده پژوهی در فقه اسلامی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۴)، ۷۱-۸۴.
- قاسمی، حاکم (۱۳۹۶). تمدن اسلامی در مرحله گذار؛ ضرورت آینده نگاری و راهبردپردازی برای ساختن تمدن نوین اسلامی. آینده پژوهی ایران، ۲(۲)، ۳-۲۱.
- قبادی، محمد؛ بهروزی لک غلامرضا (۱۳۹۹). شناسایی راهبردهای مطلوب نظام جمهوری اسلامی ایران در مدیریت فرهنگ انتظار در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای. جامعه مهدوی، ۱(پیاپی ۲)، ۷-۳۹.
- قربانی، سعید (۱۳۹۲). تحلیلی کارکردگرایانه بر آموزه‌های متعالی مهدویت از نگاه آینده پژوهی. انتظار موعود، ۱۳(۴۰)، ۱۲۳-۱۴۲.
- کمیجانی، علی و همکاران (۱۳۹۸). سیمای حکمرانی مطلوب در آینده پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل بخشی آینده. آینده پژوهی ایران، ۴(۱)، ۲۰۷-۲۳۵.
- گرجی، مصطفی (۱۳۸۳). نقد و تحلیل آپوکالیپس در آثار عرفانی - وحیانی و نقش آن در گفتگوی فرهنگ‌ها. پژوهش‌های ادبی، ۱(۴)، ۱۴۵-۱۶۶.
- گودرزی، محسن و همکاران (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی آینده تشکیل حکومت جهانی در مکتب یهود و اسلام. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۳(۲)، ۳۷-۶۳.
- مرادی، سالار و همکاران (۱۴۰۳). تمدن اسلامی متأثر از کلان‌روند توسعه ارتباطات مجازی و فناوری‌ای ارتباطی. فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌ها. مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۲(۶)، ۱۳۱-۱۶۰.
- مطهری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴). درآمدی بر آینده پژوهی فرهنگی - تمدنی انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه حق‌مدار مهدویت. دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)، ۲۲(۲)، ۱۱۷-۱۷۶.
- مظاهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۹). تبیین حرکت تاریخی ملت ایران به سوی تمدن سازی مبتنی بر روندشناسی تاریخی. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳(۲)، ۱۸۷-۲۲۰.

- مهدوی، محمد؛ جعفرپور، صفیه (۱۳۹۸). تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۳ (۳)، پیاپی ۸۰، ۵۴۹-۵۶۶.
- نجفی، محمدجواد و همکاران (۱۴۰۲). بررسی شخصییت و عملکرد رهبران تمدن ساز جهان اسلام: مطالعه موردی امام هادی رسی پایه‌گذار تمدن زیدی در یمن. مطالعات میانرشته‌های تمدنی انقلاب اسلامی. ۲ (۵). ۱۰۹-۱۳۵.
- Adjanor Doku, C., Ellis, F. Y., & Affum Osei, E (2025). Environmental performance: A systematic review of literature and directions for future studies. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 32(1), 71-87.
- Appio, F. P., Frattini, F., Petruzzelli, A. M., & Neirotti, P (2021). Digital transformation and innovation management: A synthesis of existing research and an agenda for future studies. *Journal of Product Innovation Management*, 38(1), 4-20.
- Arendt, H. (2016). Revolution and freedom. *Cadernos de Filosofia Alemã*, 21(3), 165-86.
- Ballandonne, M (2020). The history of futures studies: A note on Gilfillan's early work. *Technological Forecasting and Social Change*, 157, Pp 83-99.
- Dator, J (2019). What futures studies is, and is not. *Jim Dator: A Noticer in Time: Selected work, 1967-2018*, Pp 3-5.
- Dator, J. (2019). *Jim Dator: A noticer in time*. Springer Nature.
- Fizza, K., Banerjee, A., Mitra, K., Jayaraman, P. P., Ranjan, R., Patel, P., & Georgakopoulos, D (2021). QoE in IoT: a vision, survey and future directions. *Discover Internet of Things*, 1, 1-14.
- Kimbell, L (2019). What if there were more policy futures studios? *Journal of Futures Studies*, 23(4), Pp 129-136.
- Kiritat, A., Krejcar, O., Kertesz, A., & Tasgetiren, M. F (2020). Future trends and current state of smart city concepts: A survey. *IEEE access*, 8, 448-467.
- Mazé, R (2019). Politics of designing visions of the future. *Journal of Futures Studies*, 23(3), 23-38.
- Motti, V. V (2023). Futures Studies. In *The Palgrave Encyclopedia of the Possible Cham: Springer International Publishing*, Pp 609-612.
- Slaughter, R. A., & Hines, A (2020). *The knowledge base of futures studies 2020*. Foresight International.

- Tajudeen, F. P., Nadarajah, D., Jaafar, N. I., & Sulaiman, A (2022). The impact of digitalisation vision and information technology on organisations' innovation. *European Journal of Innovation Management*, 25(2), 607-629.
- Tucker, R. C. (1968). The theory of charismatic leadership. *Daedalus*, 731-756.

